

• یک شنبه، ۹ دی ۱۴۰۳
• شماره ۲۱۶۷۰

اذان ظهر: ۱۱:۳۴
غروب آفتاب: ۱۶:۱۵
اذان مغرب: ۱۶:۴۶
نیمه شب: ۲۲:۴۹
اذن صبح فردا: ۵:۱۲
طلوع آفتاب فردا: ۶:۴۴

تهران

• ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۴۶
• ۱۹ دسامبر ۲۰۲۴

اذن ظهر: ۱۲:۰۶
غروب آفتاب: ۱۷:۰۰
اذان مغرب: ۱۷:۲۰
نیمه شب: ۲۲:۲۲
اذن صبح فردا: ۵:۴۴
طلوع آفتاب فردا: ۷:۱۴

امام رضا (ع) می فرماید:

من اخلاق الانبیاء التثتف.
پاکیزگی از اخلاق پیامبران است.

[بحار الأنوار، ج ۷۸، ص۳۳۵]

جعفر یوسفی
Political@khorasannews.com



آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، در واپسین روزهای دولت کنونی در مصاحبه‌ای با اندیشکده شورای روابط خارجی، با اعتراضی کم‌سابقه به ناکامی‌های مستمر سیاست‌های آمریکا در تغییر نظام گذشته آمریکا در این زمینه «موفقیت چشمگیری نداشته‌اند»، ضمن اذعان به شکست این سیاست‌ها، به نحوی ضمنی از استمرار آن خبر داد. وی همچنین از استراتژی توانمندسازی برخی افراد در داخل ایران پرده برداشت و تاکید کرد که آمریکا در پی تجهیز و حمایت از گروه‌هایی است که آینده‌ای متفاوت برای کشور خود متصور هستند. این اظهارات، نه تنها نمایانگر ناکارآمدی طرح‌های گذشته واشنگتن است، بلکه نشان از تحلیل‌های جدیدی دارد که آمریکا را به بازگشت به مسیر شکست‌خورده پیشین سوق داده است. سوالی که در این میان مطرح می‌شود، آن است که چه دلایلی موجب شده است که راهبردی که حتی مقام‌های ارشد آمریکایی نیز به ناکامی آن معترف‌اند، مجدد در دستور کار قرار گیرد؟

۱. تصویر آشفته اقتصاد ایران

یکی از عوامل محوری که دولتمردان آمریکایی را به تداوم سیاست‌های پیشین علیه ایران را به تصمیم به براندازی ترغیب کرده، بحران اقتصادی در کشور است. اقتصاد ایران که با چالش‌های عمیق مانند ناترازی‌های مالی و انرژی، نوسانات شدید نرخ ارز و طلا و تورم فزاینده روبه‌روست، پیامی از بی‌ثباتی و نارضایتی اجتماعی به خارج از مرزها مخابره می‌کند. چنین شرایطی، بستر برداشتهای خوش‌بینانه اما نادرست را برای دشمنان خارجی فراهم آورده است؛ آن‌ها بر این باورند که می‌توان با استفاده از این نقاط ضعف اقتصادی، نارضایتی‌های داخلی را به محرکی برای اعتراضات و نهایتاً تغییر نظام تبدیل کرد.

۲. اختلافات داخلی و خدشه به انسجام ملی

وحدت اجتماعی و انسجام‌ملی همواره به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در تقابل با تهدیدات خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده‌است. الان هم باین که اکثریت مردم در برابر دشمنان خارجی وبا هدف حفظ ثبات سیاسی و آرامش اجتماعی باهم متحد هستنددولی اقلیتی پرسروصداوحاشیه‌ساز اما پرنفوذ در فضای رسانه‌ای، به‌طور ناخوداگاه تصویری از شکاف عمیق و ناهمگونی داخلی را

روزنامه خراسان رتبه ۵ نشریات کشوری
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرعامل و مدیرمسئول: حسین سعیدی
سرپرست: محمد رحیم پور
دفتر مرکزی: مشهد، «بازار شهید صادقی(سازمان آب) کدپستی: ۹۱۸۵۹۵۹۷۱»
تلفن: ۳۷۰۰۹۰۰۰
نمابرینخانه: ۳۷۴۴۴۴۹۵
پنشنی: ۳۷۰۱۰

روابطعمومی: ۳۷۰۰۹۱۱۱
پنهانک: ۲۰۰۰۹۹۹
نمابرینواپه‌ها: ۳۷۶۵۷۷۷۲
نمابرانگهی‌ها: ۳۷۶۱۴۰۳۵
تلفن اموهرمشترکین: ۳۷۰۰۹۷۷۷
دفتر تهران: خیابان نوابیر،خیابان نظامی گنجوی کوچه ناردان،پلاک ۲۳
تلفن وفاکس دفتر تهران: ۸۸۸۷۱۳۰۹
۲۱

چاپ‌مشهد: شهرچاپ‌خراسان | چاپ‌تهران: چاپخانه جام جم برتر برنا

www.khorasanonline.ir
email:info@khorasannews.com
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای
روزنامه خراسان را در سایت بخوانید
سماهه ثبت اهگی آنلاین خراسان:
www.khorasan-an.ir

رمزگشایی از اعتراف بلینکن

تازه های مطبوعات

کیهان-هم‌اکنون دست‌کم ۱۷ نفر از مدیران ارشد دولت روحانی در دولت پزشکیان حضور دارند. از جمله این افراد می‌توان به محمدجواد ظریف،مجیدانصاری،عبدالناصر همتی، علی‌ربیعی،محسن حاجی میرزایی، علی‌طیبنیا،سیدعباس صالحی، صالحی امیری، سیدعباس عراقچی، محمد شریعتمداری، رزارحمانی، سید محمود علوی، حسینعلی امیری،سیمایی صراف و... اشاره کرد.والبته این فهرست غیر از ده‌هااستادار ومعاون وزیرومدیرکل دولت روحانی است که در دولت‌پزشکیان مجدداً بر مناصب‌مشابه‌گماشته‌شده‌اند.

اعتماد-عباس عبدی نوشت: نمی‌شود که افرادوابسته‌به‌ساختار،اعتراضاتموتوری‌از نماز جمعه‌وعلیه‌رفع‌فیلترینگ‌راه‌پیداازند ولی طرفداران‌رفع‌فیلترینگ مجاز به هیچ اعتراض عملی‌ننشانید.هر‌گاه‌خواستند در مرکز شهر جمع‌شوند و اعتراض کنندولی دیگران چنین‌حقی‌را نداشته‌باشند. هنوز هم برای مخالفان فیلترینگ امکان اعتراض علنی فراهم‌نشده‌است.

فرهیختگان-ایمان‌جانی مدیر مسئول این روز‌نامه‌نوشت: یک‌پیشنهادر ایگان‌وصادقانه به‌دولتمردان، خصوصاً رئیس‌جمهور محترم این است که برخی از همایش‌هارا تعطیل کند.با حداقل در آن شرکت‌نکنید.با اگر شرکت می‌کنید سخنرانی‌نکنید. تصویری که در ماه‌های اخیر در این همایش‌ها از شما ساخته‌شده، هیچ ربطی به رنج و درد مردم نداشته‌است.

شرق -علی‌ربیعی نوشت: آن‌هایی که امروز بر سر قانون عفاف و حجاب و مسائلی مثل فیلترینگ و FATF کماکان بر عقاید نادرست خود پافشاری می‌کنند، مفهوم فرسودگی اجتماعی را نمی‌دانند و حتی اگر هم ناگزیر از فهم آن شوند باز هم‌احاله‌به‌دشمنی فرضی می‌کنند و همه را به جز خود و سیاست‌های خود مقصر می‌دانند.

ایتکار- این‌روز‌نامه به‌قلم‌و‌کیلی مدیر مسئول این‌روز‌نامه‌نوشت: «بعید است کسی در کشور باشد و به‌وخامت‌اوضاع، اذعان نداشته‌باشد اما اختلاف در چربی و میزان بدی اوضاع و راه‌های برون‌رفت است. نوع پاسخ به‌سوالات فوق، نقطه‌کلثونی‌ارایش‌سیاسی‌امروز کشور است.»او همچنین معتقد است «تجربه‌رفع فیلتر در این چندروز، نشان داد که می‌توان مردم را بمقدورات کنونی امیدوار کرد.»

انعکاس

رویداد ۲۴ خبر داد: محمود واعظی، رئیس دفتر حسن روحانی در دولت دوازدهم گفت: فقط اصولگر ایران تندرو نزدیک به جبهه پایداری با رفع فیلترینگ مخالف هستند / وقتی وزیر ارتباطات بودم کمتر از ۲ درصد مردم به سایت‌های غیر اخلاقی مراجعه می‌کردند.

رجانیوز نوشت: به نظر می‌رسد در روزهای سختی و کفایتی و ناکارآمدی دولت چهاردهم، کسانی که به دنبال مقصریابی وریشه‌شایعات مرتبط با استعفاي مسعود پزشکیان هستند، به جای جست‌وجو در جریان سیاسی‌رقیب ومخالفان آن سوی مرزها، باید سرنخ‌هارا در عملیات روانی بر روی رئیس‌جمهور و تلاش‌ها برای ایجاد حاکمیت‌دوگانه‌ان‌هم در گعده‌های سیاسی پزشکیان دنبال کنند!

عصر ایران نوشت: آقای پزشکیان؛ نامه پایداری‌ها را باز نکرده، پس بفرستید! قانون حجاب، فیلتر شبکه‌های اجتماعی و هزار قانون بزرگ و کوچک که مردم را عصبانی می‌کند، حاصل تصمیمات جبهه پایداری است. پس آن قدر جریان سیاسی عاقل در کشور وجود دارد که می‌توان با آن‌ها از وفای حرف زد و نیازی به جبهه‌پایداری نیست.

فرا‌رو نوشت: مسعود نیلی اظهار کرد: بزرگ‌ترین آفت نظام حکمرانی ما، وجود تحلیل‌های متفاوت راهبردی، همراه با دادن وزن‌های کاملاً متفاوت به موضوعات، در میان مقامات اصلی تصمیم‌گیرنده کشور است. مسائل سیاسی و امنیتی، در جزیره‌ای جدا و مسائل اقتصادی در جزیره‌ای دیگر تصمیم‌گیری می‌شوند و مسائل اجتماعی هم معمولاً در جایی به بحث گذاشته نمی‌شود.

چه عوامل وزمینه‌هایی باعث شده است وزیر خارجه بایدن به تلاش آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران صریحا اشاره کند؟

تغییر از بیرون دشوار و همراه با پیامدهای ناخواسته است. این اعتراض‌نشان می‌دهد که سیاست‌های براندازی واشنگتن به‌تنهایی نمی‌تواند تهدید جدی برای جمهوری اسلامی باشد. با این حال، برای خنثی‌سازی کامل این تهدیدات، باید به اقدامات زیر توجه کرد:

تقویت انسجام ملی: گروه‌ها و جریان‌های سیاسی داخلی باید اختلاف‌نظرهای انتخاباتی و جناحی را کنار بگذارند و در شرایط مهم امروز، صدای واحدی از درون نظام به بیرون مخابره کنند. اگر این جریان‌ها خود به اهمیت موضوع واقف‌نیستند، ضروری است که دستگاه قضایی به‌عنوان یکی از ارکان حفظ انسجام ملی ورود کند و با اقدامات بازدارنده، مانع از آن شود که عده‌ای کشور را وارد چالش‌های غیرضروری و غیرالویت‌دار کنند. اتخاذ چنین رویکردی نه‌تنها موجب تقویت وحدت داخلی خواهد شد، بلکه انگیزه دشمنان را برای سوءاستفاده از اختلافات داخلی به‌طور کامل از بین خواهد برد.

رفع چالش‌های اجتماعی واقتصادی: دولت باید با رویکردی شفاف و علمی، مسائل انباشته‌شده را حل و از انباشت نارضایتی‌های عمومی جلوگیری کند. احترام به نظر مردم و شفافیت در تصمیم‌گیری نیاز به برخی تصمیمات قاطعانه دارد تا یک شوک مثبت به جامعه وارد کند. این امر می‌تواند فضای امیدو اعتماد را در جامعه احیا کند.

تقویت جایگاه مردم: با این که مردم همواره نقش کلیدی در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان داشته‌اند اما اقدامات نمایشی و سطحی برای جلب حمایت آنان کافی نیست. مسئولان باید با سیاست‌گذاری‌های عمیق و معنادار، شرایطی فراهم کنند که مردم به‌طور واقعی احساس کنند در فرایند حکمرانی مشارکت دارند. این امر مستلزم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، احترام به دیدگاه‌های عمومی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی برای اداره کشور است. تنها از این طریق می‌توان از حمایت پایدار و مؤثر مردم در برابر تهدیدات خارجی بهره‌مند شد.

آزمودن مجدد طرح‌های براندازی وجود دارد. حل سریع و کارآمد این مسائل، می‌تواند اعتماد عمومی را بازیابی و فضای امید را تقویت کند.

۴. شوق و ذوق عجیب برخی دولتمردان برای مذاکره

مذاکره به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی دیپلماسی، نیازمند رویکردی مبتنی بر اصول و محاسبات راهبردی است. در ابتدای دولت جدید، برخی اظهارات و رفتارهای غیرمدرانه از سوی برخی مسئولان، تصویری از ضعف و عدم هماهنگی را به دشمنان مخابره کرده‌است. ذوق‌زدگی آشکار نسبت به مذاکره، بدون در نظر گرفتن اصول تعاملات بین‌المللی، نه‌تنها موقعیت کشور را تضعیف کرده، بلکه دشمنان را برای ادامه مسیرهای ناکام گذشته تشویق کرده‌است. این رفتارها، به‌جای بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی برای تقویت منافع ملی، انگیزه‌های نادرستی به طرف‌های خارجی القای‌کنند. برای اصلاح این رویکرد، ضروری است که سیاست‌ خارجی ایران بر اساس اقتدار، شفافیت و حفظ منافع بلندمدت کشور تنظیم شود. اتخاذ مواضع هوشمندانه و مستدل در برابر طرف‌های بین‌المللی، نه‌تنها اعتبار کشور را ارتقا می‌بخشد، بلکه دشمنان را از آزمون سیاست‌های شکست‌خورده گذشته‌بازمی‌دارد.

چه باید کرد؟

با وجود تلاش‌های مکرر آمریکا برای تغییر نظام ایران، همان‌گونه که بلینکن اذعان کرده،

۳. نارضایتی‌های اجتماعی و انباشت مسائل حل نشده
بحران تصمیم‌گیری و تعلل در حل مسائل اجتماعی از دیگر عواملی است که به نارضایتی عمومی دامن زده است. موضوعاتی نظیر فیلترینگ و برخی مسائل فرهنگی و سیاسی، به دلیل عدم تصمیم‌گیری قاطع، به چالش‌های کلان غیرقابل حل تبدیل شده‌اند. این نارضایتی‌ها، نمود خود را در افت مشارکت در انتخابات‌های اخیر نشان داده‌است. در چنین روندی، سیاستمداران آمریکایی را به این باور رسانده که امکان بهره‌برداری از این نارضایتی‌ها برای تحریک اعتراضات

و تهدیدات خارجی بهره‌مند شد.



به ایران کمک می‌کند تا از منابع طبیعی خود بهره‌برداری کند و چین نیز از موقعیت ایران برای تسهیل تجارت و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی بهره‌مند شود. از سوی دیگر، برای تضمین امنیت انرژی، چین تلاش کرده تا از وابستگی بیش‌از حد به یک کشور خاص اجتناب کند. دیدگاه رایج در محافل سیاست‌ خارجی چین این است که این کشور نباید بیش از ۲۰ درصد نفت خام خود را از یک کشور خاص، چه روسیه باشد و چه عربستان سعودی وارد کند. با این حال، این استراتژی برای جلوگیری از وابستگی به یک کشور خاص، به‌طور کامل وابستگی چین به خاورمیانه را بین نمی‌برد.

راهبرد سیاسی مشترک

چین اهمیت بسیاری برای حمایت از تلاش‌های ایران در بازسازی قدرت و جایگاه خود قائل است. چین خواهان ایجاد نوعی معماری امنیتی منطقه‌ای است که بر مبنای تعادل قدرت بنا شود و ایران به‌عنوان یکی از ارکان قوی و شریک

اصلی چین در مقابله با سلطه ایالات متحده در امور امنیتی منطقه نقش ایفا کند. از این‌رو، تضعیف ایران با این رویکرد سازگار نیست. چین در سال ۲۰۲۱ یک سند ۲۵ ساله برای همکاری اقتصادی با ایران امضا کرد، اما پیشرفت در سرمایه‌گذاری و همکاری‌های اقتصادی همچنان محدود بوده‌است. ایتکار کمربند و جاده که اهمیت استراتژیک بالایی برای چین دارد ایران را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در طرح‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک در نظر می‌گیرد. در عین حال، سیاست چرخش به شرق تهران نشان دهنده تمرکز استراتژیک این کشور بر تقویت روابط با چین و دیگر کشورهای آسیایی است. از سوی دیگر باید توجه داشت که با توجه به شرایطی که جامعه بین‌المللی در حال تجربه آن است و مجموعه تحولات و تغییراتی که در غرب آسیا رخ داده از جنگ غزه تا جنگ روسیه و اوکراین و رویکرد اروپا نسبت به این جنگ و همزمان بازگشت دونالد ترامپ به قدرت در ایالات متحده، توسعه رابطه جمهوری اسلامی ایران با چین تبدیل به امری اجتناب‌ناپذیر شده‌است. رابطه چین با ایران چند ویژگی دارد. نخست آن که چین عضودایم شورای امنیت سازمان ملل است و رابطه حسنه با این کشور برای ایران قطعاً یک مزیت خواهد بود. از سوی دیگر چین در زمینه مذاکرات هسته‌ای عضو برجام است و در قالب این مذاکرات چه در گذشته و چه امروز و چه قطعاً در آینده نزدیک نقش چین برای ایران بسیار مهم است. در موضوعات جهانی و تقویت جنوب – جنوب نیز دیدگاه‌های ایران و چین بسیار به هم نزدیک است. تمام این واقعیت ها و اشتراکات زمینه‌های بسیاری را برای توسعه و تعمیق همکاری تهران – پکن فراهم می‌کند.

روزنامه خراسان

WWW.KHORASANONLIN.IR

یادداشت

محمد جواد اخوان
info@khorasannews.com

مودت با چه کسانی و چگونه؟

یادداشتی اخیر از ظریف در اکونومیست منتشر شده که طی آن، طرحی منطقه‌ای با عنوان «مودت» پیشنهاد شده است. طرح ابتکار عمل در برابر تلاش‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی برای اختلاف‌افکنی در منطقه چیز بدی نیست، اما به شرط آن که انتظار ما از چنین ابتکاری واقعاً روشن باشد. به نظر می‌رسد این طرح تغییر نام یافته و به‌روز شده همان طرح موسوم به «صلح هر مز» است که پنج سال پیش محمدجواد ظریف در قامت وزیر امور خارجه ارائه کرد. سرنوشت صلح هر مز چه شد؟ عملاً صرفاً به بهانه آن چند همایش و نشست برگزار شد و هیچ، هر چند با تغییر دولت و در دولت شهید رئیسی، ابتکارات جدیدی برای تعامل و بهبود روابط با کشورهای عربی شکل گرفت و به نتیجه نرسید، اما این‌ها ارتباطی با صلح هر مز نداشته و ندارد. چرا صلح هر مز به نتیجه نرسید؟ دلایل متعددی برای این موضوع می‌توان ارائه کرد: تمرکز اصلی تیم روحانی – ظریف بر برجام بود و عملاً این موضوع بر دیپلماسی منطقه‌ای سایه افکنده بود؛ جلب رضایت کدخدا ولایت داشت و تصویری شد که با رضایت کدخدا می‌توان رعایای آن را هم‌رازی کرد؛ نسبت موضوع مهم مقاومت با این طرح تبیین نشده بود.... اکنون نیز ممکن است همه‌با بخشی از این دلایل همچنان مطرح باشند و هر مز به‌روز شده را به چالش بکشند. علاوه بر این‌ها ابتکارات دیپلماتیک زمانی موفق است که مبتنی بر تجارب عینی و واقعیت‌های میدانی شکل بگیرد. در سه سال اخیر اقدامات متعددی برای تنش‌زدایی میان ایران و برخی کشورهای عربی، چون عربستان سعودی، امارات و مصر دنبال شده‌است؛ آیا نباید میزان اثربخشی این اقدامات و نتیجه‌پرونده همچنان مفتوح میان این کشورها و ایران مورد بررسی قرار گیرد؟ چگونه است که هنوز پرونده تلخ قاعه‌منام و مسجدالحرام لاینحل مانده و دولت امارات متحده عربی مرتباً نسبت به جزایر ایرانی، ادعای ارضی می‌کند؟ آیا این که در پرونده‌های فی‌مابین حداقل شاهد گشایش‌های حداقلی و انعطاف طرف مقابل باشیم، انتظار زیادی است؟ از این‌ها گذشته تجربه حکومت سابق سوریه هم پیش‌روی ماست. دولت بشار اسد که مغضوب دولت‌های عربی واقع شده بود، بعد از فائق آمدن بر داعش، با امید به جذب سرمایه، به سمت احیای روابط با این کشورها به‌ویژه عربستان و امارات حرکت کرد و حتی امتیازات سیاسی‌ای، چون بستن سفارت یمن متعلق به دولت صنعا در دمشق هم به طرف مقابلش اعطا کرد. نتیجه چه شد؟ نه تنها آن حمایت مالی که اسد انتظار داشت، تحقق نیافت، بلکه در عمل جریانات معارضش تقویت شدند و اکنون کشورهای یادشده از سرنوونی اسد سرخوش‌اند. از همه این‌ها مهم‌تر، سرنوشت اصلی‌ترین پرونده منطقه یعنی فلسطین در این میان چه خواهد شد؟ بخشی از کشورهای عربی رژیم نامشروع صهیونیستی را به رسمیت شناخته‌اند و برخی دیگر با راه‌حل متوهمانه دو دولتی در حال قبح‌زدایی از این پروژه هستند. عمده این کشورها به جریانات مقاومت فلسطینی نگرش منفی دارند و برخی حتی با رژیم صهیونیستی همکاری‌های امنیتی دارند. چگونه می‌توان انتظار داشت که این‌ها در حمایت از حقوق ملت فلسطین گام‌واقعی بردارند؟ تنش‌زدایی با کشورهای مسلمان منطقه حتماً لازم است و جمهوری اسلامی ایران برای انسجام جهان اسلام به‌ویژه در برابر دشمن صهیونیستی، هزینه‌های بسیاری داده و باز هم خواهد داد. تنش‌زدایی با کشورهای اسلامی به‌موازات تقویت مقاومت باید پیش‌رو د، اما این فرایند و شرط اصلی دارد؛ نخست آن که باید از هر گونه تصمیمی که به تضعیف مقاومت بینجامد، اجتناب کرد و نباید مسیر نفوذ دشمن اصلی هموار شود. دوم آن که نباید انتظارات فراواقعی از ابتکار دیپلماسی مطرح‌شود.